نامه مجاهدین خلق ایران به
حضرت آیت الله العظمی امام خمینی
دربارهٔ
تحریکات گستردهٔ اخیر بر علیه مجاهدین

بنام خدا وبنام خلق قهرمان ایران

پدر بزرگوار، حضرت آیت‌اللهالعظمی امام‌خمینی

نمیدانیم که آیا شما بطور کامل در جریان تحریکات وسیعی که این روزها در سراسر کشور و ازجمله شهر قم بر ضد مجاهدین خلق ایران درجریان است مطلعید یا خیر . البته ما پیوسته براین اعتقاد بوده‌ایم که نمی‌بایست برای امت جزئی مزاحم اوقات شما شد ،لکن بنظر میرسد که تحریکات مورد بحث آنچنان گسترده وخطیر است وآنچنان باسرنوشت تمامی انقلاب ما پیوند خورده‌است که هیچ گریزی از معروض داشتن آن بحضرت شما نیست :

نیمه شب دوشنبه ۱۱ تیر، تیراندازی و حملات خیانت‌بار مشکوکی معطوف به‌محل استقرارپاسداران قم که ساختمان آن در نزدیکی ساختمان محل استقرار جنبش ملی مجاهدین در قم واقع شده‌است ،شنیده میشود . درحین تیراندازی تلفن‌های مرکز جنبش ملی مجاهدین نیز بصدا درآمده و با فحاشی و توهین افراد ما را به دخالت داشتن در جریان میسازند . بدنبال این جریان بسرعت شایعاتی‌در شهر پراکنده میشود که گویا مجاهدین مسئول‌حمله به‌پاسداران هستند

همزمان‌با اوج گرفتن این شایعات در ساعت ۵ / ۱۲ چهارشنبه ۱۳ تیر مجددا" صدای انفجار نسبتا" شدیدی شنیده شده که بعدا" معلوم میگردد ناشی از پرتاب نارنجکی به سمت پاسداران بوده‌است . لحظاتی بعد بلافاصله پاسداران مسلح ساختمان جنبش را محاصره و باسنگرگیری رزمی مستقیما" سلاحهای خود رابجانب اعضای جنبش نشانه‌میروند .در تماس تلفنی با افسر نگهبان پاسداران وجویاشدن علت محاصره‌ازایشان نامبرده با عصبانیت شدید پاسخ میدهد که : " در ساختمان شما افراد خرابکاری وجود دارند که وقتی خودمان آنجا آمدیم معلوم‌میکنیم " لکن چند دقیقه بعد باتماسهائی‌که برادران ما بامسئولین امور میگیرند ،محاصره پایان میپذیرد ،ولی بازهم نیم‌ساعت بعد قریب ۲۵ تا۳۰ پاسدار مسلح باحالت‌تهاجمی وسنگربندی محل جنبش را محاصره و حتی گلنگدن‌ها رانیزمیکشند . دراین‌ضمن شخصی دستور میدهد که تیرباران نیز بعمل آورده شود . دراین هنگام تعدادی افراد نیز با لباس شخصی و بعضا"مسلح در محل حاضر شده وبکی از آنها با تعدد زیادی اعلامیه وپلاکارت جلو آمده وشروع به چسبانیدن آنها به درودیوار ساختمان میکند . این اعلامیه‌ها و پلاکارت ها عمدتا" مربوط به جریان سید محمد رضا سعادتی و ضرورت اعدام او بودند . سپس جمعیت دیگری نیز به‌محل هجوم‌می‌آورند که برخی از آنها بلافاصله به پشت بام ساختمان جنبش رفته وسنگربندی های ساختمان را کهار بیس (یعنی سنگر از انقلاب)وجود داشت ،بعضا" بکمک سرنیزه افراد پاسدار خراب‌میکنند . حوالی ساعت ۵ بعد ازظهر نیز تلفن حسینیه قطع میشود که بعدا روشن گردیده است که‌گویا بدستور کمیته و ارحود تلفن‌خانه‌صورت گرفته . همچنین دراین‌فاصله به هیچکس نیز اجازه ورود وخروج بداخل ساختمان غیر از خود محاصره کنندگان داده نمیشد ،تا اینکه خواهر همسر یکی از اعضاء که نگران افراد زندانی شده در داخل‌ساختمان شده بود ،موفق میشودبا بجان خریدن خطرها و سلکهای رکیک و یک بازرسی بدنی بسیار شرم‌آور برای‌چند دقیقه اجازه دخول به ساختمان بگیردو البته این تازه با وساطت یکی مسئولین کمیته بود . رفتار محاصره کنندگان باخواهر فوق‌الذکر آنچنان‌موهن بود که به‌محض ورود به گربه صاقند .بالاخره شب‌به همین ترتیب به صبح میرسد . صبح روز بعد نیز اجازه‌خروج تنها به این شرط داده میشود که‌مجاهدی که قصد خروج دارد دیگر بقرارگاه جنبشی خود باز نگردد .

حوالی ساعت ۱۰/۵ صبح تظاهرات موجود در شهر بجانب ساختمان هدایت میشود وعده‌ای با خشم و غضب بسیار به جانب افراد ما حمله‌ور میشوند . جالب اینست که افرادمهاجم جمعیت مزبور صراحتا" خود را نماینده امام‌میخوانند و وقتی از آنها سوال میشود که امام کی وجه‌وقت اجازه شکستن در و دیوار و بالا رفتن از دیوار ودستام و هجوم‌دادند و بخصوص وقتیکه از ناحیه افراد جنبش از آنها درخواست میشود که بگذارید این مطالب با خانواده امام مطرح شود میشنوند که : " خانواده امام که هستند ، ما خودما امام را انتخاب کردیم و حالاهم‌هرکاری بخواهیم‌میکنیم

سپس مجاهدین حاضر درساختمان را کشان‌کشان و بضرب مشت ولگد و قنداق‌تفنگ به‌بیرون می‌برند که طی آن دونفر مجروح میشوند. اعلامیه‌ای که ازجانب جنبش ملی مجاهدین مرکز قم بهمین مناسبت صادرشده دراینمورد چنین‌میگوید:

" مهاجمین برادران ما را زیر ضربات مشت ولگد انداخته و دهانهایی را که‌فریاد الله اکبر ولاالهالااللدبرداشته بودند پر ازخون کردند. آنها برادری را که فریاد میزد، بخدا دوستتان دارم و میدانم عمق این فاجعه راکه جلوچشمتان میگذرد نمیدانید، بطرز وحشتناکی‌بداخل ماشین پرتاب کردند. صحنه‌ها آنقدر دلخراش و تکاندهنده بود که حتی یکی از مسئولین کمیته با دیدن آن دودستی بر سرخود میزد. بالاخره ما را با آن وضع به کمیته بردند. آنجا در نهایت دروغپردازی با اینکه هنوز خون جراحات ما خشک نشده بود بما گفتند: "مابرای‌حفظ‌جان‌خودتان شما را به اینجا آوردیم، میتوانید بروید". وقتی سوال کردیم پس چرا ما را کتک زدید وتهدید به قتل کردید وبباد فحش و ناسزاگرفتید، جوابی نداشتند جز اینکه دست وپای برادرانی راکه برای وضو گرفتن ازما جدا شده بودند، بگیرند و بیرون بیندازند".

شرم‌آورتر ازهمه‌این است که‌مهاجمین پس از تصرف محل ساختمان جنبش (که قبل از انقلاب مرکزسازمان زنان شهر قم بوده است) وسایل آن را در معرض تخریب و غارت قرارداده وپس از ورود به انبار و دست یافتن به لوازم سازمان زنان (که جنبش قم آنها را برای تحویل به مقامات مسئول در انبار نهاده و قفل کرده بود) قرصهای‌ضد حاملگی و سایر اشیاء ووسایل زنانه را باصحنه‌سازی بسیار وقیحانه‌ای در معرض‌عکس‌برداری و فیلم‌برداری خبرنگاران قراردادهو عکسها را سریعا در میان مردم پخش میکنند و مدعی‌میشوند که اینجا مرکز فحشاء وفساد بوده است.

باین ترتیب مجاهدین منتقل شده به کمیته، قصد اعتصاب غذا کرده وبعنوان‌اعتراض از خارج شدن از آنجااستنکاف میکنند، تا اینکه ساعت ۱۰ شب با پادرمیانی حضرت حجت‌الاسلام حاج‌احمد خمینی فرزند امام، کمیته را ترک میکنند.

فرزند امام برادران مجروح ما را تسلی داده وآنچه را برسر آنها آمده است محکوم و حتی آنها رابزرگوارانه با خود بمنزلشان میبرند.

جالب توجه‌است‌که درهمین روزها در شهر بشدت شایع میشود که خرمنها و سیلو را مجاهدین آتش میزنند. همزمان‌با قم در اصفهان نیز شایع میکنند که قسمتی از ذوب‌آهن را مجاهدین آتش زده‌اند.

حال اینکه همگان میدانند که مجاهدین خلق ایران حتی در دوران شاه نیز حتی یک نمونه ازحمله به مزارع وصنایع مردمی‌نداشته و حتی رژیم‌وساواک نیز نمیتوانست به آنها چنین تهمتی وارد کند.

همچنین در اصفهان عده‌ای را اجیر میکنند که اعلامیه‌ها وپلاکارتهای مربوط به میلاد حضرت ولی عصر(عج) راپاره کرده و در مقابل سوال و اعتراض مردم بگویند که: " ما از مجاهدین‌هستیم "!!

حضرت آیت الله، پدر بزرگوار، ایکاش این نمونه‌ها فقط به‌یکی دوشهر مربوط میشد، لکن در مشهد نیز اوضاع بهمین قرار است. و درهمینجا اجازه میخواهیم توجه شما را به اطلاعیه مجاهدین در مشهد نیز که به پیوست ضمیمه است، جلب نمائیم. چنانکه در اعلامیه ملاحظه میفرمائید، درآنجانیز اعضاء ما بضرب گلوله مجروح میشوند، لکن‌به مقابله به مثل، با کنترل‌عواطفشان نمیپردازند. کما اینکه در راهپیمائی مسالمت‌آمر هوادارانمان در تهران نیز بیش از ده‌تن مجروح و گلوله خورده داشتیم‌که برخی عکسهای‌آنها به‌پیوست ضمیمه میشود.

اکنون حضرت آیت‌الله، با عطف توجه به مراتب بالا وهمچنین باعنایت به اعلامیه امروز مرکز پاسداران‌شهرقم (که بهیچوجه به آنچه که بر مجاهدین گذشته اشاره نداشت)، این شمائید که در مقام رهبری انقلاب، بقضاوت نشسته و طبعا" باید تکلیف ما را با این اوضاع مشخص فرمائید.

اگر قضاوت شما این باشد که مجاهدین خرمنهای خلق محروم را آتش‌میزنند، کارگاهها را منفجر میسازند، بجانب برادران رزمنده پاسدار خود نارنجک میاندازند و یا مرکز فساد و فحشاء دایر کرده‌اند وخلاصه پس از سالیان دراز جنگ و شهادت در راه خدا و خلق، اکنون‌کارشان به آنجا رسیده که ازهیچ اقدامی بسود امپریالیستها، ابا ندارند، بی تردید برحسب عقاید و آرمانهای خودتان بایستی به شدیدترین وجه ما را کیفر بدهید، اما اگر همه اینها حلقه‌ای از زنجیر توطئه‌های مداومی باشد که به منظور ریشه‌کن کردن یک نیروی انقلابی مسلمان طراحی شده‌است، در اینصورت ما امیدهای دیگری بشما بسته‌ایم. البته ما از مدتها‌پیش بخوبی آگاه بودیم که برای‌دور کردن شما از جوانان روشنفکر انقلابی‌مسلمان، چه اقدامات وسیعی درجریان است، آگاه بودیم که روزانه از شهرهای مختلف چه‌تلفن‌های زنجیره‌ای وچه نامه‌ها و مراجعات متعددی که سراسر سمپاشی علیه مجاهدین خلق بوده‌اند، به شما و دفترتان واصل میشود، آگاه بودیم که چه تهمتها و افترائاتی بر علیه ما به سمع شما میرسانند. آخر دشمنان خدا و خلق چنین درنظر دارند که تصفیه حساب با انقلاب‌ایران را در نخستین قدم از مجاهدین خلق آغاز کنند، برادرکشی راه بیندازند و لبنان دیگری بیافرینند. تا

دست آخر زمینه‌برای کودتائی از قبیل‌آنچه در بسیاری از کشورها اتفاق افتاده فراهم شود. آری آنها سودای روزی را در سر میپرورانند که پس از مجاهدین حساب سایرین را نیز تک تک برسند. یک تصفیه حساب ارتجاعی و ضدانقلابی‌که نخستین قدم باهرگونه تهمت وافترا آغاز میشود.

آری پدر گرامی، گزارشات وتحلیلهای ما چنین نشان میدهد که در مرحله کنونی هدف تمامی این توطئه‌ها وادار کردن ما به سکوت، بویژه در مقابل مساله خطیر وسرنوشت ساز قانون اساسی است. اما بگذارید تصریح کنیم اگر سلاح چنین صلاح میدانید که دم فروبستن ما مرجح است، ماهم‌اکنون آماده‌ایم ومیتوانیم اعلام کنیم که‌تا اطلاع ثانوی درحد فرو میرویم و لب فرو میبندیم، چرا که اگر وظایف مکتبی وآرمانی و میهنی مانبود، ماکه هنوز کوله‌بارزنجها و شکنجه‌های سالهای دراز آریامهری برپشتمان سنگینی میکند، صدهابار ترجیح میدادیم که به کنجی نشسته و سرکار خودگیریم‌و هرروز با تهمت وافترا و تهاجم و چماق و قنداق تفنگ و گلوله‌هائی که‌متاسفانه بنام‌اسلام به ماشلیک میشود، مواجه نشویم بارزترین‌دلیل آن اینست‌که‌علیرغم همه قالیچه‌های سرخ وخونین‌که شهدای ما فراراه این‌انقلاب گستردند، حتی یک تن‌آنها نیز هنوز به تمنای مال و مقام برنخاسته‌است.

از این هم‌بدتر وضعیت برخی از مادران و خواهران ماست که هنوز هم باید ازاین‌زندان‌به‌آن‌زندان،بدنبال‌فرزندانشان بگردندو پاسخگوی طعن ولعنهایی بیش از گذشته باشند. بی تردید حضرت آیت‌الله،چنانکه خود شما نیز معتقدید، یک مجاهد واقعی راه خدا وخلق،جز بر اجر و پاداش اخروی نظر نداشته و نبایستی داشته باشد. بنابراین غرض از عرض مطالب طرح این نکته است که‌آیا دولت حاضر، فعالیت سیاسی رسمی و علنی ما را دریک محیط آزاد وفارغ از اختناق میپذیردو یا باید به اشکال غیر رسمی از فعالیت روبیاوریم؟وآیا انقلاب ما که‌شما درمقام رهبری آن قراردارید،نمیخواهد هیچ تغییری در وضعیت و کیفیت فعالیت مجاهدین خلق به‌راه‌داشته باشد؟

در اینصورت تاریخ واجتماع سرانجام چه قضاوتی خواهند داشت؟ و آیا در تواریخ نخواهند نوشت که تا وقتی مبارزه با رژیم‌طاغوتی و اسارت و شکنجه و شهادت در میان بود،مجاهدین همه‌جا عزیز وگرامی بودند، ولی بهنگام استقرار جمهوری اسلامی،در پس معرکه؟

پـــدر گـــرامی مـــا :

اگر چنین‌نیست، پس چرا هنوز هم مثل گذشته که‌پیوستگی و وابستگی به مجاهدین جرم محسوب میشد،افرادو هواداران ما را (ونیز هرکسی راکه‌گمان طرفداری ما باو برده شود) ،از بسیاری دستگاهها،بانواع بهانه‌هااخراج میکنند.که نیستند دوایر و نهادهایی که افراد هواداران ما،از آنجا اخراج شده‌اند. ما میتوانیم در این رابطه حضورا" فهرست‌طویلی تقدیم کنیم. حال آنکه افراد ما اغلب به تایید خود مقامات مسئول،دیصلاح‌ترین ومنضبط ترین خدمات را عرضه میکنند وعجب اینست که ردیابی واخراج هوادارانمان بصورتی کاملا" حساب‌شده و باصطلاح سیستماتیک صورت میپذیرد. آیا مسئولین این برخوردها، مارا همچون گذشته به تمام‌و کمال و در بنیاد واصول با نظام موجود در تعارض یافته‌اند که وابستگی به ما رانیز جرم‌تلقی میکنند؟ و اگر چنین‌است چرا رسما" آن را اعلام نمیکنند؟

بلاشک میدانیم که این سوالات که اساسا" دولت مسئول‌پاسخگوئی به آنهاست، قلب و روح خود شما را نیز میآزارد. اما از آنجا که از فردای انقلاب اینها سوالات هرساعت وهر روز ما بوده‌اند،بخود جرات دادیم تا آنها را در محضر رهبری نیز باز گشائیم. لکن پیوسته خود را با این‌ندای قرآنی تسکین داده‌ایم که :

" و ان‌تصبروا و تتقوا فان ذلک من عزم الامور "

مجاهدین خلق ایـــران

۱۵ / تیر / ۵۸

رونوشت به مطبوعات کشور جهت اطلاع هموطنان.